

مردم

تحلیل عناصر جادو

● علی‌رغم اینکه امروزه شاید احساس کنیم از جادو فاصله بسیاری گرفته‌ایم، اما هنوز با آن ارتباطی تنگاتنگ داریم. ایده‌های راجع به بخت خوب و بد و جوهره یک شیء، قرابت زیادی با ایده جادو دارند و ردپای بخش عمده‌ای از عناصر عارفانه و شاعرانه که در تصور ما از نیرو، علیت، معلول و جوهر وجود دارد به آن عادات کهن ذهن که زادگاه جادو بوده بازمی‌گردد. از مدت‌ها قبل جادو موضوع گمانه‌زنی‌های فراوان بوده باین‌حال مطالعات فیلسوفان، کیمیاگران و متالهان باستان ماهیتی کاملاً عملی داشتند و بیشتر متعلق به حیطه تاریخ جادو بودند تا تاریخ مطالعات علمی که به این موضوع پرداخته باشد. یکی از اولین آثار مرجع علمی دراین‌باره کتاب «نظریه عمومی جادو» اثر مارسل موس است. مارسل موس (۱۸۷۲–۱۹۵۰)،

کتاب «نظریه عمومی جادو» نخستین‌بار با همکاری مارسل موس و هنری هومبرت در سال ۱۹۰۲ به چاپ رسید و وقتی در سال ۱۹۵۰ مجدداً منتشر شد، طیف وسیعی از خوانندگان را جذب کرد. این پژوهش با مطالعه جادو در جوامع «ابتدایی» و بقای آن در افکار و رفتارهای اجتماعی ما، چنان که لوی استروس گفته، نمایانگر ذهن مدرن یکی از بزرگ‌ترین متفکران قرن بیستم است: «کافی است یاد آوریم که تأثیر موس تنها منحصر به قوم‌نگار است که هیچ‌کدام نمی‌توانند منکر تأثیر او شوند، نیست؛ بلکه زبان‌شناسان، روان‌شناسان، مورخان دین و متشرقان نیز وامدار او هستند». این کتاب تصاویر شگفت‌انگیزی از جادو در فرهنگ‌های گوناگون ارائه می‌کند و تحلیل‌های جامعه‌شناختی و دینی نویسنده آن هنوز برای عصر حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد. در روزگار ما که مسیر هنر، جادو و علم دوباره یکدیگر را قطع کرده‌اند، «نظریه عمومی جادو» تبدیل به اثری کلاسیک شده است.

کتاب با پیش‌گفتاری به قلم دیوید فرانسیس یوگاک آغاز می‌شود که در آن به شرح خواش لوی استروس از نظریه جادوی مارسل موس پرداخته است. موس در فصل اول به منابع و زمینه تاریخی جادو در متون انسان‌شناسی می‌پردازد که می‌توان چکیده آن را در کتاب «شاخه‌های فریزر مشاهده کرد. از نظر فریزر افعال جادویی آت‌های‌اند که قرار است از طریق کاربست دو قانون همانندی و همجواری تأثیرات خاصی ایجاد کند: نظیر نظیر خود را تولید می‌کند؛ اشیایی که زمانی در تماس بوده‌اند، اما اکنون نیستند پس از قطع تماس فیزیکی هنوز از راه دور در یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ و نسبت جزء با کل همانند نسبت تصویر با خود شیء است. موس برای فریزر در درباره جادو جرم‌اندیشانه می‌داند؛ چراکه او برای قوانین خود استثنائی قائل نمی‌شود و از نظر او همانندی–همجواری یکی از خصایص کافی و اجتناب‌ناپذیر جادو است. او در فصل بعد با بررسی آیین جادو و تفاوت‌های آن با مناسک مذهبی در قبایل اولیه به تعریف پیشنهادی خود از جادو می‌پردازد و جادو را آیینی می‌داند که نقشی در کیش‌های سازمان‌یافته ایفا نمی‌کند. جادو آیینی خصوصی، بحرمانه و رازآلود است و به مرز آیین قدغن‌شده نزدیک می‌شود. موس جادو را نه بر مبنای ساختار آیین‌هایش بلکه بر اساس شرایطی که بستر این آیین‌هاست تعریف می‌کند و بدین‌ترتیب جایگاه آیین‌های جادوویی در کلیت اجتماعی را مشخص می‌کند.

او در فصل بعد به عناصر جادو می‌پردازد و در این راه از موفق‌ترین منابع انسان‌شناسی که تا آن زمان درباره جادو وجود داشته استفاده می‌کند. برخی از اقوام استرالیایی، تعدادی از جوامع ملانزیایی و همچنین نظام معاصر جادوی هند به‌گونه‌ای مستعمراتی در مانی و دو شکلی که جادو در تنه به خود گرفته در این فصل بررسی می‌شود. فصل آخر تحلیل و تبیین مفهوم جادو و تفاوت آن با مفهوم دین و فناوری و علم است. در جادو شاهد گرایش به امور انضمامی هستیم، درحالی‌که دین معمولاً انتزاعی است. جادو مانند فنون و حرفه‌ها و پزشکی و صنعت کار می‌کند. جادو ذاتاً فن انجام‌دادن کارهاست و جادوگران همواره از کاردانی و جیره‌دستی و مهارت پدی خود بهره برده‌اند. موس نشان می‌دهد که هنر جادو همیشه با ایما و اشاره و اداواطوار بی‌حاصل کار خود را پیش برده و در بسیاری موارد با چیزهای عینی سرورکار داشته و آزمایش‌های حقیقی انجام داده و حتی به اکتشافاتی نیز نائل شده است. موس جادو را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند و مهم‌ترین نکته‌ای که در کتاب در برنامه کار خود قرار می‌دهد، این است که نشان دهد جادو در میان سایر پدیده‌های اجتماعی، به‌جز دین، از چه جایگاهی برخوردار است. از نظر او جادو هیچ خویشاوندی حقیقی با هیچ چیز جز دین از یک سو و علم و فناوری از سوی دیگر ندارد.

 نظریه عمومی جادو	
مارسل موس	
ترجمه: حسین ترکمن‌نژاد	
ناشر: مرکز	
چاپ اول: ۱۳۹۷	
قیمت: ۲۹۵۰۰ تومان	

مارسل موس

گروه اندیشه: هانا آرنت فیلسوف کاملاً شناخته‌شده‌ای در ایران است. بیشتر آثار مهم او به فارسی ترجمه شده‌اند و چه‌بسا او را بتوان در میان برخی فیلسوفان قرن بیستم که ترجمه‌های مغلولی از آثارشان ارائه شده، فیلسوف خوش‌شانسی دانست: «انقلاب» و «خشونت» را عزت‌الله فولادوند، «وضع بشر» و «بیات ذهن» را مسعود علیا و بخشی از کتاب «خاستگاه‌های توتالیتاریسم» را محسن ثلاثی ترجمه کرده است. به‌تازگی نشر فرهنگ جاوید کتاب مهم دیگری از آرنت، «بحران‌های جمهوری»، با ترجمه علی معظمی منتشر کرده است. کتاب شامل چهار مقاله است که به برخی از جدی‌ترین مسائل سیاسی جامعه آمریکا و دنیا در دهه ۱۹۶۰ می‌پردازد. آرنت که از هولوکاست جان سالم به در برده و به ایالات متحده مهاجرت کرده بود، در این کتاب بحران‌های موجود در یکی از بزرگ‌ترین جمهوری‌های معاصر و ابرقدرت‌های جهان را در بحرانی‌ترین دهه‌های قرن بیستم بررسی می‌کند.

موضوعات این کتاب از افشاکری‌های مربوط به اوراق پنتاگون تا جنبش مدنی، نافرمانی مدنی، خشونت، انقلاب و جنبش دانشجویی را در بر می‌گیرد. تحلیل‌ها و اظهارات آرنت در این کتاب همچنان به کار می‌آید و مسائلی که مطرح می‌کند هنوز مهم‌اند: دروغگویی در سیاست، معنا و امکان نافرمانی مدنی، خشونت در سیاست، انقلاب و زمینه‌های آن و مسئله مفهوم و کارکرد دولت. مقاله فصل اول کتاب با عنوان «دروغگویی در سیاست» به مرور اسناد پنتاگون می‌پردازد و رویکردهای پراگماتیستی در علوم انسانی را نقد می‌کند و نشان می‌دهد چگونه تقلیل مسائل به اعداد و ماتریس‌ها بشر را به خطا می‌برد. آرنت در مقاله دوم با عنوان «نافرمانی مدنی» از «حق بر تشکیل انجمن» می‌گوید و می‌کوشد نشان دهد نافرمانی مدنی دقیقاً چیست، چه ویژگی‌هایی دارد و در کجا می‌توان

گفت نافرمانی مدنی رخ داده است. او در این فصل حق نافرمانی مدنی و تثبیت آن در نهادهای سیاسی را مطرح می‌کند. در مقاله سوم، «درباره خشونت»، نیز بر مسائلی متمرکز است که از دل جنبش حقوق مدنی و جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰ برآمدند و مشخصاً به رخدادها و مباحثی می‌پردازد که بر زمینه قرن بیستم برانگیخته شدند. او این قرن را به تأسی از نیمه پیش‌بینی لنین (قرن جنگ و انقلاب) قرن خشونت می‌نامد.به نظر می‌رسد بسیاری از مباحث کتاب که مربوط است به آمریکای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اکنون دیگر کارایی چندانی ندارند و چه‌بسا

بیشتر جنبه تاریخی پیدا کرده‌اند. درباره این ادعا مجال بحث و جدل بسیار است، باین‌حال شاید بخش‌هایی از فصل آخر بتواند این اتهام را از کتاب آرنت دور کند. چون بحث‌هایی که در این فصل مطرح می‌شود، در کنار مباحث تاریخی درباره جریان چپ و لیبرالیسم و اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیسم، اکنون بیش از هر زمانی در هر گوشه‌ای از جهان مهم شده‌اند؛ در زمانه‌ای که جهانی‌سازی و مرزهای بسته در نقطه‌ای به هم رسیده‌اند که ماحصل آن چیزی نبوده جز زوال الگوهای غالب دولت‌داری. آرنت در بخشی از مصاحبه‌ای که با آدلبرت رایف، نویسنده آلمانی، در سال ۱۹۷۰ انجام داد (فصل چهارم کتاب)، به دنبال جایگزینی برای دولت است و آن را در نظام شورایی جست‌وجو می‌کند. این نظام از نظر او تبلور دموکراسی مشارکتی است، هرچند آرنت نسبت به تحقق آن چندان خوش‌بین نیست. او معتقد است هیچ‌کدام از انقلاب‌ها نتوانسته‌اند مفهوم

اندیشه

نگاهی به کتاب «بحران‌های جمهوری» هانا آرنت

در ذم دولت‌گرایی مسلط و مدح شوراها



بحران‌های جمهوری

هانا آرنت

ترجمه: علی معظمی

ناشر: فرهنگ جاوید

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

حزبی. باین‌حال، بدبینی آرنت سر جایش است؛ ولی این نظام را صرفاً آرمان‌شهر مردم می‌داند نه نظریه‌پردازان و ایدئولوژی‌ها. او این شکل از اداره جامعه را تنها بدیلی می‌داند که در تاریخ ظهور کرده و بارها هم ظاهر شده است. مثال‌هایی مهم هم برای این ادعا می‌آورد: «در همه انقلاب‌های سازمان‌دهی خودانگیخته شوراها رخ داده، در انقلاب فرانسه، در انقلاب آمریکا با جفرسن، در کمون پاریس، در انقلاب‌های روسیه، در طلیعه انقلاب‌های آلمان و اتریش در انتهای جنگ جهانی اول و در نهایت در انقلاب مجارستان». آرنت بر این باور است که این شوراها هرگز نه در نتیجه یک سنت یا نظریه آگاهانه انقلابی بلکه هر بار کاملاً خودانگیخته پدید آمده‌اند؛ چنان‌که گویی هیچ‌گاه پیش‌ازآن چنین چیزی وجود نداشته است. او نتیجه می‌گیرد که نظام شورایی بر تجربه عمل سیاسی منطبق است و از همین تجربه برمی‌آید.

اما این شوراها و نظام شورایی مد نظر آرنت چیست؟ آرنت خیلی روشن حرف شوراها را بازگو می‌کند: «ما می‌خواهیم مشارکت کنیم، می‌خواهیم بحث کنیم، می‌خواهیم عموم صدای‌مان را بشنوند و می‌خواهیم امکانی برای تعیین مسیر سیاسی کشورمان داشته باشیم. چون کشور بسیار بزرگ‌تر از آن است که ما بتوانیم همه گرد هم بیاییم و سرنوشت‌مان را رقم بزنیم، به فضاهای عمومی متعددی در داخل آن نیاز داریم. اتاقکی که برای رای‌دادن تعبیه شده، بسیار کوچک است؛ چون فقط برای یک نفر جا دارد. احزاب کاملاً نامناسب‌اند؛ در داخل احزاب اکثر ما صرفاً انتخاب‌کنندگانی هستیم که افکارمان هدایت می‌شود. اما اگر ده نفر از ما دور یک میز جمع شویم، هرکدام نظرم‌ان را بیان کنیم... معلوم می‌شود که کدام‌یک از ما برای ارائه نظراتمان به شورایی بالاتر مناسب‌تریم» (ص ۲۶۱). آرنت اضافه می‌کند که اصلاً لازم نیست تک‌ساکنان یک کشور عضو چنین شورا‌هایی باشند. چون نه همه مردم می‌خواهند و نه لزومی دارد درگیر مسائل عمومی شوند، پس روند خودانتخاب‌گرایانه‌ای ممکن می‌شود که از طریق آن در کشور یک گروه نخبه سیاسی حقیقی گرد می‌آیند. باوجوداین روشن نیست شورا‌هایی که آرنت از آن دم می‌زند، صرفاً تغییریر در مفهوم عام دولت است یا در نقطه مقابل آن ساخته می‌شود، به‌ویژه وقتی به تجربیات شورایی قرن بیستم توجه می‌کنیم. ولی گویا به نظر می‌رسد این شوراها بناسد در تقابل با ملت-دولت تعریف شوند. به‌هرحال، آرنت از شکل‌گیری مفهوم جدیدی برای دولت می‌گوید – دولتی شورایی که با اصول حاکمیت بیگانه است. برای انواع فدراسیون‌ها بسیار مناسب است و قدرت در آن به شکل افقی ساخت می‌یابد؛ نه عمودی؛ اما اگر از آرنت بپرسید دورنمای تحقق این دولت چیست، خواهد گفت: «اگر اصلاً بتواند شکل بگیرد، خیلی به آرامی خواهد بود و بنابراین شاید در نهایت در طلیعه انقلاب بعدی».



رادیکال کردن دموکراسی

دروزرگاری که اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی در حال سست‌شدن است

آیا میراث هانا آرنت فرصتی دوباره به دموکراسی می‌دهد؟

هنتی اوپرین . ترجمه: امیررضا گلابی

همین تمایز باعث شد که اعتبار نظریه او از بین برود، در میزگردی که به سال ۱۹۷۲ در تورنتو برگزار شد، فیلسوف آلمانی آلبرشت ولمر از آرنت خواست مثالی از یک مشکل اجتماعی فنی که سیاسی نباشد ارائه دهد، ولمر گفت: «از هر حوزه‌ای می‌خواهی مثال بز: آموزش، بهداشت و درمان یا مسائل شهری، حتی مسئله ساده استانداردهای زندگی».

جواب آرنت این بود که هریک از این مشکلات «دو وجه» دارند و در مورد یکی از این وجوه «نمی‌توان بحث کرد». سپس او مثالی از یک مسئله غیرقابل بحث می‌زند؛ هر انسان برای اینکه بتواند زنده بماند و زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد، به چند متر جا نیاز دارد». حرفی که آرنت رد، خودش را نقض می‌کرد؛ چون معنی واژه «شرافتمندانه» در گروه تفسیر ما از آن است. آرنت خواهان نظامی سیاسی بود که مستقیماً شهروندان را درگیر کند اما چنان کامنه تعریف سیاست را تنگ کرد که چیزی بیش از نمودی و حرفی از آن باقی نماند. آرنت در جست‌وجوی آزادی سیاسی از این نکته غافل بود که نهادهای فناوری، علم و اقتصاد کل زندگی سیاسی را احاطه کرده‌اند.

اگرچه نظریه آرنت تقماتی منطقی داشت ولی می‌توان تفدهای روشن او را به نظام پارلمانی در حکم پیشگویی افسون‌زدایی از نهادهای سیاسی امروزی دانست. تمایز دردرساز میان امر سیاسی و امر فنی پیادور جست‌وجوی معاصر برای سیاست‌وری ف‌سالاری است – سیاستی که عاطفه و تجربه آدمی را در نظر می‌گیرد.

سیاست کجا به پایان می‌رسد و مدیریت کجا شروع می‌شود؟ چقدر می‌توان دولت را دگرگون کرد تا شهروندان را به مشارکت در کار حکومت کشاند و حدود بحث سیاسی جاساست؟ آیا شهروندان باید در تمام مسائل سیاسی حق اظهارنظر داشته باشند، هرچقدر هم که آن مسئله فنی باشد؟ سیاست معاصر درگیر چنین پرسش‌هایی است؛ از جنبش‌های معطوف به اداره شهر گرفته که دموکراسی را در شهرداری‌ها برقرار می‌کنند تا تلاش‌های جان مک‌دانل از لح حزب کارگر بریتانیا؛ برای دگرگون‌کردن دولت و به‌دست‌گرفتن قدرت برای دادن قدرت به ضعیفان».

آرنت مثال‌های واقعی اندکی از دموکراسی شورایی در اختیار داشت. او به کمون پاریس، شورا‌های روسیه در ۱۹۵۰ و ۱۹۱۶ و شورا‌های خودجوش انقلاب ۱۹۵۶ مجارستان اشاره می‌کرد. این قبیل برنامه‌ها در نظر او آرمانی بودند؛ برنامه‌هایی که در زمانی شکل گرفتند که مشارکت حکم مرگ و زندگی را داشت. چنان‌که منتقد آرنت، مارگرت کاتنواان اشاره کرده «سیاستی غیرعادی ازاین‌دست... چیزی است استثنائی و هرگز نمی‌تواند جایگزین کاملی باشد برای سیاستی که درگیر منافع روزمره است». در زمان انقلاب و جنگ، سیاست چنان فوریتی پیدا می‌کند که نمی‌توان چیزی را جایگزین آن کرد. مسئله این است که چگونه می‌توان مشارکت همه اقتشار شهروندان را در روال‌های هرروزه دموکراسی تضمین کرد.

اگر آرنت امروز زنده بود، به‌جای آن مثال‌ها، به دولت بارسلونا و جنبش شهرهای بی‌پاک اروپا استناد می‌جست و اینها را مثال عملی دموکراسی شورایی معرفی می‌کرد. مدل افقی گروه‌های محلی و هماهنگ‌کننده‌های منتخب آنها در جنبش «بارسلونا برای همه» تصویری است از دستگاه آرنت در خصوص شورا‌های انقلابی. این پلتفرم در مقابل قاموس حزبی مقاومت می‌کند و در عوض در پذیرفتن مردمی که از پیش هیچ خبرگی‌ای در سیاست ندارند، تأکید دارد. ابزارهای نظیر نرم‌افزار متن باز (این سورس) دسدیدیم (Decidim) میداین دیجیتالی (فوروم‌هایی) – برای اظهارنظر همه فراهم می‌کند و بارسلونا برای همه» تأمین‌کننده این است که انقلاب دموکراتیک بدون مشارکت فعال شهروندان «غیرممکن» است. این پروژه‌های معاصر پاسخ‌های بدیلی برای دغغنه اصلی آرنت ارائه می‌کنند؛ یعنی این دغغنه او که دموکراسی پارلمانی همیشه بی‌ثبات و ناپسندۀ بوده. از زمان نگارش کتاب «در باب انقلاب» آرنت به سال ۱۹۶۳ نظریه دموکراسی شورایی او نادیده گرفته شده است. محققان و روزنامه‌نگاران به‌جای آن آن ترجیح می‌دهند بر اثر معروف او یعنی «درباره توتالیتاریسم» که چارچوبی منسجم‌تر دارد، تمرکز کنند. باین‌حال دفاع او از دموکراسی شورایی در حکم نوعی پیشگویی بود. بصیرت ماندگار آن در معرض‌کردن یک نظریه بی‌نقص بلکه تشخیص مشکلاتی بود که امروز هم هنوز دامگیر دموکراسی پارلمانی است.

پی‌نوشت:

۱. Barcelona en Comú: برنامه‌ای عملی است که شهروندان بارسلونا در سال ۲۰۱۴ به راه انداختند و دستور کار آن دفاع از عدالت اجتماعی و دموکراسی مشارکتی است.

منبع: ورسو

مردم

پراگماتیسم در علوم اجتماعی

● کتاب «فلسفه علوم اجتماعی؛ به سوی پراگماتیسم» دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ نخست خوانشی موشکافانه از مهم‌ترین جریان‌ها و چهره‌های تأثیرگذار در فلسفه علوم اجتماعی از دورکیم، پوپر، رئالیست‌های انتقادی و پراگماتیست‌ها تا ویر، نظریه‌پردازان انتقادی، فوکو و چهره‌هایی همچون گیدنز ارائه می‌کند و هم‌زمان با توضیح این نظریات گفت‌وگوی مؤثری میان آنها برقرار می‌کند و به نقد پروژه‌های فکری و پژوهشی‌شان می‌پردازد. هدف دوم معرفی رویکردی جدید به فلسفه علوم اجتماعی است که پاترک برت، نویسنده کتاب از سنت پراگماتیسم آمریکایی الهام گرفته است.

فصل اول به رؤیایی می‌پردازد که دورکیم برای علوم اجتماعی در سر می‌پروارند. دورکیم با اینکه فیلسوف علوم اجتماعی نبود می‌خواست جامعه‌شناسی را به عنوان یک رشته علمی و مستقل تثبیت کند و از این‌رو بخش عمده‌ای از وقش را صرف نوشتن در این‌باره کرد که علم اجتماعی چگونه علمی باید باشد. روش‌شناسی دورکیم نمونه‌ای عالی از بیشش طبیعت‌گرایی بود چرا که وی مجاب شده بود در بررسی جامعه باید از روش‌هایی تقلید کرد که در علوم طبیعی به کار گرفته شده و دستاوردهای بسیار درخشانی به بار آورده‌اند. فصل دوم به بررسی تأملات روش‌شناختی ویر می‌پردازد. در دورکیم در صراحت خود را در اردوگاه طبیعت‌گرایی قرار می‌داد ویر رویکرد متکثرتری اتخاذ کرد و کوشید نقاط ضعف طبیعت‌گرایی و ضدطبیعت‌گرایی‌س را روشن کند.

از نظر ویر صرف مشخص‌کردن قاعده‌مدنی‌های زندگی اجتماعی کافی نیست چون تبیین اجتماعی به چیزی بیشتر نیازمند است و برای معیاردارکردن قاعده‌مدنی‌های مشاهده‌شده لازم است عنصری هرمونوتیکی هم وارد کار شود تا بتوانیم دراییم چرا افراد به این شیوه رفتار می‌کرده‌اند. فصل سوم به فلسفه علوم اجتماعی پوپر می‌پردازد. پوپر نمونه‌ای است برجسته از فیلسوفی که در جست‌وجوی آن چیزی است که وجه مشترک همه فعالیت‌های علمی است. از نظر پوپر اگر نظریه از آزمون سربلند بیرون نیاید جست‌وجو برای نظریه جدید آغاز می‌شود. اما نظریه‌ها را تنها زمانی می‌توان ابطال کرد که ردپذیر باشند و البته ابطال‌پذیری معیار برگزیده او برای تعیین مرز بین علم و غیرعلم است. فصل چهارم به معرفی رئالیسم انتقادی می‌پردازد که ابتدا در دهه ۱۹۷۰ ظاهر شد و تأثیر بسیاری بر علوم اجتماعی مختلف از جمله جامعه‌شناسی و اقتصاد بر جای گذاشت. رئالیسم انتقادی نیز، همچون ابطال‌گرایی پوپر، وحدت روش‌شناختی را بین علوم اجتماعی و طبیعی فرض می‌گیرد. نقطه عزیمت این رویکرد این است که غالب پژوهش‌های اجتماعی طبق معیارهای قوم‌زنبیوستی عمل می‌کنند و از این‌رو نمی‌توانند از قلمرو ظاهری پیوستگی‌های قاعده‌مند فراتر روند. فصل پنجم به نظریه انتقادی می‌پردازد. برای نظریه‌پردازان انتقادی پژوهش تنها معطوف به توصیف یا تبیین نیست بلکه مبنایی برای نقد جامعه معاصر فراهم می‌کند. این نقد در نهایت ابزارهایی در اختیار افراد قرار می‌دهد تا محدودیت‌های اجتماعی را از میان بردارند و جامعه‌ای بهتر بسازند. نظریه‌پردازان انتقادی خصم هر نوع فلسفه علوم اجتماعی‌اند که پژوهش‌های اجتماعی را به فعالیتی توصیفی تقلیل دهد و پوزیتیویسم ام‌اج حمله آنهاست. فصل ششم به آرای روزتی می‌پردازد که اندیشه‌های پراگماتیستی او پیامدهای چشمگیری برای فلسفه علوم اجتماعی به دنبال داشته. توفیق بزرگ رورتی در فلسفه نقدی برنده بر معرفت‌شناسی بود. او متأثر از فلسفه وینگشتاین و تحولات اخیر فلسفه تحلیلی معتقد است که هر تلاش فلسفی برای کام‌نهادن به بیرون از زبان و یافتن شاه‌کلیدی برای اخلاق یا دانش بی‌حاصل است. در فصل آخر به بسط نظریه خود می‌پردازد و امکان یک علم اجتماعی را مطرح می‌کند که معطوف است به کسب «دانش خوار‌جاع». به زعم او این نوع پژوهش به واکاوی و زیر سؤال‌بردن پیش‌فرض‌های عمیقاً جالفاتده‌ای می‌انجامد که در فرهنگ معاصر سیطره یافته‌اند و می‌کوشد تا از دیگر اشکال زندگی آگاهی یابد. این تلقی از علوم اجتماعی کاملاً با رویکرد پراگماتیستی هم‌ساز است؛ رویکردی که معتقد است زبان و دانش به جای عمل بازنامایی به افراد اجازه می‌دهند تا گستره امکان‌های انسانی را افزایش دهند. در این رویکرد جست‌وجو در پی بنیان‌های فزاینانی و استعلائی برای علوم اجتماعی نه‌تنها ناممکن که نامطلوب شمرده می‌شود. این رویکرد قائل به تکثر روش‌شناختی در علم است و از علقه‌های شناختی گوناگون در علم دفاع می‌کند، علقه‌هایی که هر یک معطوف به هدفی بایسته اما متفاوت‌اند. از نظر برت فلسفه علوم اجتماعی برای مدت‌ها خود را منحصر کرده به تبیین جهان بیرونی و به این خاطر از شیوه‌های بدیل کسب دانش جا مانده است. برت پیوند مؤثری بین جامعه‌شناسی، فلسفه و تاریخ برقرار می‌کند و نشان می‌دهد که ایده‌های مطرح‌شده در فلسفه علوم اجتماعی تا حد چه بر سرشت پژوهش اجتماعی و چگونگی انجام آن تأثیر می‌گذارد.

فلسفه علوم اجتماعی

پاتریک برت

ترجمه محمد هدایتی

ناشر: شب‌خیز

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

پاتریک برت